

حسن عسگری^۱

گرجستان اولین کشور در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بود که استقلال خود را در آوریل ۱۹۹۱ پس از فروپاشی شوروی اعلام کرد. گرجستان پس از کسب استقلال، علیرغم وابستگی شدید اقتصادی به روسیه که در واقع میراث هفتاد ساله تحت حاکمیت شوروی بود؛ تدریجاً سیاست خارجی روس‌گریزی از یک سو و ایجاد علقه و وابستگی به جهان غرب به ویژه آمریکا و بعبارتی همگرا شدن با غرب و واگرایی از شرق (روسیه) را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد و این سیاست و استراتژی در مجموع از سوی دولت‌های وقت پیگیری و استمرار یافت و همچنان تداوم دارد و حتی امروزه به یکی از مفاد استراتژی سیاست خارجی کشور تبدیل شده است. هر چند تاکنون متحمل هزینه‌های گزافی بخاطر اتخاذ چنین سیاستی شده است. مقاله ذیل به تحلیل سیاست‌های خارجی دولت‌های وقت در خلال یک و نیم دهه اخیر یعنی از زمان استقلال گرجستان اختصاص دارد و تلاش شده تا خط و مشی سیاست خارجی گرجستان در مقاطع و دوران‌های مختلف بطور گذرا مورد بررسی قرار گیرد:

با اعلام استقلال گرجستان، زویادگامساخوردیا^۲ استاد دانشگاه دولتی تفلیس

که مشهور به داشتن افکار و اندیشه‌های ناسیونالیستی بود رهبری گرجستان آزاد و مستقل را در یک انتخابات دمکراتیک عهده دار شد. وی پس از کسب قدرت، مخالفت خود را با عضویت کشورش در سازمان کشورهای مشترک المنافع (سی آی اس) و در اختیار قرار دادن پایگاه نظامی به روسیه و ادامه سلطه روسیه بر گرجستان اعلام نمود. اعلام این مخالفت‌ها برابر با اتخاذ سیاست‌گرایی به غرب و گریز از روسیه بود. البته

۱. آقای حسن عسگری کارشناس مسائل قفقاز است.

۲. گامساخوردیا از جمله مخالفین سرسخت دوره اتحاد جماهیر شوروی سابق بود و در محیط دانشگاهی همواره بعنوان یک فرد ملی‌گرا و ناسیونالیست به‌گرایش به غرب معروف بود.

اولین نتیجه اتخاذ چنین سیاستی بهره برداری روسیه از مسأله قومیت‌ها در گرجستان بعنوان اهرم فشار خود علیه این کشور بود. گام‌ساختار دیا شعار "گرجستان برای گرجی‌ها" را که از اندیشه‌های ناسیونالیستی وی نشأت می‌گرفت، سرلوحه کار خود قرار داد که این امر فضای ناسیونالیستی شدیدی را در کشور ایجاد نمود. به همین دلیل بود که جمهوری‌های جدائی طلب با حمایت‌ها و پشتیبانی‌های روسیه از فرصت استفاده نموده و خواستار استقلال خود شدند. با اعلام استقلال جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان جنگ داخلی میان دولت مرکزی و این جمهوری‌ها آغاز گردید که بدلیل حمایت روسیه از رهبران جمهوری‌های جدائی طلب، دولت مرکزی پس از یک سال و نیم درگیری و جنگ و خونریزی متحمل شکست سختی گردید و جمهوری‌های تجزیه طلب مزبور هم استقلال خود را حفظ نمودند و تاکنون دولت‌های وقت مرکزی قادر به احیاء تمامیت ارضی خود نشده‌اند، هر چند مهمترین و اولی ترین سیاست داخلی و حتی خارجی دولت‌های وقت و بویژه دولت کنونی احیا تمامیت ارضی گرجستان و خاتمه بخشیدن به تجزیه‌طلبی جمهوری‌های جدائی طلب البته با شیوه مسالمت‌آمیز بوده و هست. زویاد گام‌ساختار دیا نهایتاً در یک کودتای نظامی پس از ۱۱ ماه ریاست جمهوری از کار برکنار و سپس به قتل رسید. در خلال دوران گام‌ساختار دیا بدلیل جنگ‌های داخلی زمامداران وقت تمام هم و غم خود را به حفظ حیات و استقلال و تمامیت ارضی خود می‌اندیشیدند و درگیر جنگ داخلی و سر و سامان دادن به معضلات داخلی نظیر جرم و جنایت و برقراری نظم و امنیت بودند و مجالی برای تدوین و یا پیگیری خط و مشی دقیقی از سیاست خارجی و برقراری یا توسعه روابط نداشتند. البته وجود جنگ‌های داخلی و حمایت آشکار روسیه از جدائی طلبان از یکسو و اندیشه‌های ناسیونالیستی شخص گام‌ساختار دیا و همچنین وجود روحیه استقلال طلبی و خروج کشور از سلطه ۷۰ ساله کمونیسم و شوروی موجب گردید که نطفه روس‌گریزی و گرایش به غرب از همان ابتدا در کشور و رأس هرم تصمیم‌گیری منعقد گردد و همواره و در هر دوران هر چند با شدت و وحدت و یا کندی این سیاست

رو به جلو را طی نماید. لذا خط و مشی اصلی سیاست خارجی این دوران را می‌توان «سیاست روس‌گریزی و گرایش به غرب» نامید.

سیاست خارجی دولت گرجستان در زمان ادوارد شواردنادزه (از ۱۹۹۲ تا اواخر سال ۲۰۰۳)

ادوارد شواردنادزه در ماه مارس ۱۹۹۲ در شرایطی وارد تفلیس شد و بر مسند قدرت تکیه زد که کشور در حال فروپاشی و اضمحلال کامل قرار داشت. جمهوری‌های جدائی طلب اعلام استقلال نموده و موقعیت خود را تثبیت نموده بودند، در داخل هم گروه‌های شبه نظامی تشکیل و از کنترل دولت خارج شده بودند، هرج و مرج و جرم و جنایت کشور را فراگرفته بود و در مجموع شرایط برای اداره کشور بسیار مشکل شده بود. وجود پیشینه وی بعنوان وزیر امور خارجه شوروی سابق و شناخت وی از اوضاع منطقه‌ای و بین‌المللی موجب گردید که وی نزد مردم و محافل سیاسی محبوب گردد و مردم به همین دلیل به حل این معضلات در آینده امیدوار بودند. وی در خلال دوران حکومتش ابتدا سیاست اتکا به غرب به منظور تعدیل در سیاست سلطه‌گرایانه روسیه بر گرجستان (۱۹۹۲-۱۹۹۳)، سپس گرایش به سوی روسیه و بهبود روابط با این کشور (۱۹۹۳-۱۹۹۵) بدلیل عدم حمایت جدی از سوی غرب و نهایتاً سیاست تعادل و توازن با روسیه و غرب و بعبارتی سیاست یکی به نعل و یکی به میخ (۲۰۰۳-۱۹۹۵) را اتخاذ نمود. با سپری شدن جنگ‌های داخلی گرجستان (بین دولت مرکزی و جمهوری‌های جدائی طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی) در سال ۱۹۹۲ و باروی کار آمدن ادوارد شواردنادزه در سال ۱۹۹۳ بعنوان رئیس شورای حکومتی گرجستان و سپس در سال ۱۹۹۵ بعنوان رئیس جمهور، همانند سلف سابق خود سیاست روس‌گریزی از یک سو و گرایش به جهان غرب به ویژه آمریکا از سوی دیگر را در دستور کار خود قرار داد.

این سیاست گرچه با مخالفت‌هایی از سوی احزاب و رهبران مخالف دولت آقای

شواردنازه روبرو بوده ولی باگذشت هشت سال از دوران ریاست جمهوری ایشان، همواره این خط مشی سیر تکوینی خود را پیموده است. با توجه به این سیاست و پیگیری‌های جدی مقامات گرجی بود که گرجستان در ۲۷ آوریل ۱۹۹۹ رسماً به عضویت شورای اروپا درآمد و در ۳۱ مه ۱۹۹۹ نیز وضعیت عضویت وابسته در مجمع پارلمانی ناتو را که عالیترین نوع ارتباط یک کشور غیر عضو ناتو با این مجمع می‌باشد؛ احراز کرد. همزمان با تحولات فوق مناسبات گرجستان نیز با اعضای واگرای CIS یعنی کشورهای عضو گوام (اوکراین، آذربایجان، مولداوی و ازبکستان)، سازمان امنیت و همکاری اروپا، شورای اروپا، اتحادیه اروپا و پیمان آتلانتیک شمالی «ناتو» گسترش یافت. شواردنازه در نشست سران ناتو در پراگ، درخواست رسمی خود را برای عضویت در این سازمان اعلام و مناسبات نظامی خود را با آمریکا در سطحی گسترده افزایش داد. شواردنازه که در سال‌های پایانی حکومتش بدلیل وجود فساد و رشوه در کشور و عدم اجرای خواسته‌های آمریکائی، اروپائی‌ها و سازمان‌های بین‌المللی (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) برای انجام اصلاحات مورد نظر غرب مورد بی‌مهری آنها قرار گرفته بود و غربی‌ها حمایت‌های مادی خود را قطع و یا کاهش داده بودند مجدداً به منظور حل مناقشات داخلی به سمت روسیه‌گرایی پیدا کرد و همین سیاست و برخی عوامل دیگر موجب گردید که آمریکائی‌ها از وی روی گردانند و زمینه برکناری وی را با انقلاب‌های رنگی طراحی و اجرا نمودند. البته شواردنازه و حامیانش خود را برای دور بعدی ریاست جمهوری آماده می‌کردند که در انتخابات آبانماه ۱۳۸۲ مجلس که وی به تقلب در انتخابات متهم گردید برکنار گردید.

لذا اولویت‌ها و محورهای عمده سیاست خارجی گرجستان در این دوران را می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱. اتخاذ سیاست غربگرایی و بعبارتی نگاه به غرب بطور کلی؛ ۲. همگرایی با ساختارهای غربی و اروپائی، (یورو-آتلانتیک)؛ ۳. واگرایی یا گریز از روسیه؛ ۴. برقراری روابطی دوستانه و مسالمت‌آمیز براساس همکاری و منافع متقابل با همسایگان بویژه با کشورهای ترکیه، آذربایجان و ارمنستان.

سیاست خارجی دولت گرجستان در زمان میخائیل ساکاشویلی (از دی ماه ۱۳۸۲ تا مهر ماه ۱۳۸۴)

وقوع انقلاب رز در گرجستان که منجر به سقوط حکومت شواردنادزه و روی کار آمدن دولت جدید ساکاشویلی گردید، بی‌شک پس از فروپاشی شوروی سابق و استقلال این کشور مهمترین تحول در این کشور و حتی در سطح منطقه بود که روابط این کشور با بسیاری از کشورهای مهم و کلیدی را متحول نمود. پس از برکناری مسالمت‌آمیز ادوارد شواردنادزه رئیس‌جمهور سابق گرجستان در آبان‌ماه ۱۳۸۲ که با وقوع انقلاب گل سرخ این امر محقق گردید، دولت جدید گرجستان اولویت‌های سیاست خارجی خود را موارد ذیل بیان نمود:^۱

۱. همگرایی یا الحاق به ساختارهای اروپائی (یورو - آتلانتیک)؛ ۲. تعمیق و تقویت همکاری‌های استراتژیک با آمریکا؛ ۳. بهبود روابط با روسیه؛ ۴. برقراری نوعی تعادل میان منافع استراتژیک آمریکا و روسیه؛ ۵. توسعه و گسترش همکاری با کشورهای همسایه.

میخائیل ساکاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان در تبیین خط و مشی سیاست خارجی و اعلام اصول و اولویت‌های سیاست خارجی خود در مراسم تحلیف ریاست جمهوری در بهمن ماه ۱۳۸۲ گفت «گرجستان از موقعیت ژئواستراتژیکی بسیار مهم و کلیدی برخوردار است و باید جایگاه بین‌المللی خود را باز یابد. گرجستان چهار راه و نقطه تعامل منطقه است و در این خصوص منحصر به فرد است. گرجستان از یک موقعیت حساس و بسیار مهم برخوردار است و ما باید از این موقعیت خود و منابع موجود بهره کافی را ببریم. گرجستان باید بعنوان کشوری که به تمام عرفها و نرم‌های بین‌المللی احترام می‌گذارد و مسئولیت‌پذیر است تبدیل و بعنوان یک عضو موثر جامعه بین‌المللی به خود افتخار کند. گرجستان با توجه به موقعیت و شرایط پیچیده ژئوپلیتیکی، بعنوان کشوری دوست و بی‌خطر برای همه کشورهای جهان بویژه کشورهای

۱. وزارت امور خارجه گرجستان طی یادداشتی رسمی سیاست‌های خارجی دولت خود را موارد فوق برشمرده بود.

همسایه خواهد بود خواستار روابطی دوستانه و برابر با همه می باشد. مطمئناً گرجستان یک متحد با ثبات برای همه کشورهای دوست خواهد بود. دولت جدید براساس سیاست‌های اعلامی و با توجه به اهمیت و اولویت این سیاست‌ها و خط و مشی‌ها به اعمال سیاست‌های خود (سیاست‌های اعمالی) پرداخت. سفرهای خارجی رئیس جمهور نیز براساس همین سیاست‌های اعلامی صورت گرفت که در خلال ۲ سال و نیم گذشته رئیس جمهور بالغ بر ۵۰ سفر خارجی به کشورهای جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک کشور همسایه داشت که نشان از دیپلماسی فعال دولت جدید می باشد. زمامداران جدید گرجستان به منظور اعاده تمامیت ارضی کشور و حل مناقشات داخلی شاید بیشترین سفر خارجی یا پذیرش هیأت‌های عالی رتبه خارجی را در این دوران داشتند. وزیر امور خارجه، نخست وزیر، رئیس مجلس، وزیر دفاع و دبیر شورای امنیت ملی بیشترین سفرهای خارجی را برای خود ثبت نمودند. هر چند این تبادل هیأت‌ها نشان از دیپلماسی فعال دولت جدید بود ولی حزب مخالف کار با شمارش دقیق سفرهای رئیس جمهور و هیأت‌های همراه آن و هزینه‌های صورت گرفته این سیاست و شیوه دولت را به شدت مورد انتقاد قرار داد.

در خلال این دوران دو محور همگرایی یا الحاق به ساختارهای اروپائی (یورو-آتلانتیک) و تعمیق و تقویت همکاری‌های استراتژیک با آمریکا مهمترین محورهای سیاست خارجی دولت جدید بود. در خلال این دوران اولین اولویت سیاست خارجی دولت همگرایی با ساختارهای یورو-آتلانتیک بود و هم و غم اصلی دولت بر این مهم متمرکز شده بود. دولت معتقد بود مهمترین مؤلفه سیاست خارجی گرجستان همگرایی با ساختارهای اروپایی است و امنیت گرجستان با امنیت ساختارهای اروپا-آتلانتیک عجین و پیوند خورده است. دولت معتقد بود ما بعنوان یک کشور مسیحی باستان، باید این جایگاه و مکان را دوباره به خود بازگردانیم. وی افزود «جهت و خط و مشی اصلی ما به سمت همگرایی با ساختارهای اروپائی است و این امر

۱. گرجستان در ۲۷ آوریل ۱۹۹۹ رسماً به عضویت شورای اروپا درآمد و در ۳۱ ماه می ۱۹۹۹ نیز وضعیت

اجتناب‌ناپذیر و تغییرناپذیر است». گرجستان، از کشورهای اروپایی باستان و قدیمی بوده و این کشور شایسته عضویت در اتحادیه اروپایی می‌باشد. اکنون زمان آن برای اروپائیان فرارسیده است که از گرجستان قدردانی کنند و قدم‌های لازم را به سمت ما بردارند. اتخاذ سیاست همگرایی با نهادها و ساختارهای اروپایی بعنوان اولویت اولی ما حاکی از اقدام واقعی و عملی می‌باشد. رئیس‌جمهور معتقد است گرایش گرجستان به سوی ناتو و ساختارهای اروپایی دارای مقتضیات تاریخی است. چراکه گرجستان از جمله کشورهای اروپای باستان می‌باشد. گرجستان متعلق به «اروپای باستان»^۱ است و کشورهای اروپای باستان نظیر گرجستان بدنبال دستیابی به جایگاه واقعی خود در «اروپای جدید»^۲ (کشورهایی که در آستانه الحاق به اتحادیه اروپایی هستند) و «اروپای قدیم»^۳ (کشورهای کنونی عضو اتحادیه اروپایی) هستند، می‌باشند.^۴ البته این سیاست همچنان بعنوان یکی از محورهای سیاست خارجی مطرح است ولی بدلیل نهادینه شدن این هدف در داخل و در بین نهادهای اروپایی امروزه بعنوان اولین خط و مشی تلقی نمی‌گردد چراکه اقدامات لازم برای رسیدن به این هدف در طول سال‌های گذشته برداشته شده

عضویت وابسته در مجمع پارلمانی ناتو را که عالیترین نوع ارتباط یک کشور غیر عضو ناتو با این مجمع می‌باشد، احراز کرد.

1. Ancient Europe

2. New Europe

3. Old Europe.

۴. ساکاشویلی رئیس‌جمهور گرجستان اولین سفر خارجی خود را از آلمان و شرکت در اجلاس شورای مجمع پارلمانی اروپا آغاز کرد و نشان داد که به این سیاست خود پایبند و جدی است. انتخاب آلمان بعنوان اولین سفر رسمی خارجی ساکاشویلی و شرکت در شورای مجمع پارلمانی اتحادیه اروپایی نیز دقیقاً در همین راستا می‌باشد. آلمان اولین کشوری بود که پس از استقلال گرجستان آن را شناسایی و سفارت خود را در این کشور افتتاح کرد. نواخته شدن سرود ملی اروپایی و به اهتزاز در آمدن پرچم اتحادیه اروپایی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری گرجستان و توسط شخص رئیس‌جمهور نشان از سیاست قاطع این کشور برای الحاق به این اتحادیه است. حضور هیأت‌های متعدد و عالیرتبه از مجموعه کشورهای اروپایی و نهادهای اروپایی نیز حاکی از حمایت جدی این کشورها از دولت گرجستان بود. سفر خاویر سولانا مسئول سیاست خارجی و امنیتی کشورهای اروپایی و دیگر مقامات اروپایی و همچنین سفر رئیس‌جمهور و دیگر مقامات عالیرتبه گرجستان به کشورهای اروپایی هم حاکی از همین موضوع هست. همکاری نزدیک با رومانی و بلغارستان و کشورهای بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) به منظور همگرایی و الحاق مشترک کشورهای حاشیه دریای سیاه به اتحادیه اروپایی نیز از دیگر تأکیدات دولت کنونی می‌باشد.

است و همچنان ادامه دارد. پس از اروپا هم تعمیق و تقویت همکاری‌ها فی‌مابین گرجستان و آمریکا و تبدیل آن به همکاری‌های استراتژیک از دومین اولویت‌ها و محورهای سیاست خارجی دولت جدید گرجستان بود که این مهم نیز با ۲ بار سفر رسمی رئیس‌جمهور گرجستان و همچنین چند بار سفر نخست‌وزیر، رئیس‌مجلس و وزرای امور خارجه و دفاع و از همه مهمتر سفر جورج بوش رئیس‌جمهور آمریکا به تفلیس به اوج خود رسید و اکنون نهادینه شده است. بهبود و عادی‌سازی روابط با روسیه هم بدلیل حل و فصل مشکلات عدیده خود از جمله حل مناقشات داخلی و پایان دادن به فعالیت تجزیه طلب‌های جمهوری‌ها بود و توسعه روابط با همسایگان هم بدلیل طبیعت و ماهیت جغرافیائی امری طبیعی و نرمال به نظر می‌رسید. داشتن روابطی دوستانه و حسنه با کشورهای همسایه و توسعه و تحکیم روابط با این کشورها از دیگر تأکیدات ویژه دولت جدید می‌باشد و با توجه به موقعیت جغرافیائی و ژئوپلیتیکی و با عنایت به الزامات اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود، ضرورتی جز همکاری و توسعه مناسبات خود به منظور تأمین هر چه بهتر منافع ملی خود ندارند.

سیاست خارجی دولت گرجستان از مهرماه ۱۳۸۴ تا کنون (تغییر رویکرد)

پس از گذشت دو سال از زمامداری و حکمرانی دولت جدید، امروزه شاهد تغییرات نسبی و جزئی در اولویت‌های سیاست خارجی این کشور هستیم. آقای گلابژواشویلی وزیر امور خارجه گرجستان که از زمان روز کار آمدن دولت جدید در مقام دبیر شورای امنیت ملی انجام وظیفه می‌نمود و اکنون بعنوان وزیر امور خارجه در مسند قدرت این وزارتخانه تکیه زده است در خلال کنفرانس امنیت^۱ که در دی ماه ۱۳۸۴ در تفلیس برگزار گردید اعلام نمود که ارزش‌ها و

۱. این کنفرانس به ابتکار وزارت دفاع گرجستان و دو هفته بعد از کنفرانس امنیتی مونیخ در تفلیس با هدف بررسی توسعه و دستاوردهای بخش امنیتی گرجستان پس از دو سال از گذشت انقلاب رز برگزار گردید. رئیس‌جمهور گرجستان، نخست‌وزیر و وزرای امور خارجه و دفاع گرجستان، دستیار دفاعی سابق وزارت دفاع آمریکا، رئیس مجمع پارلمانی سازمان امنیت و همکاری اروپا، دستیار وزیر دفاع استونی، دبیر شورای

منافع ملی گرجستان اهداف کلی سیاست‌های امنیتی و خارجی کشور را تعیین و هدایت می‌نماید چرا که این امر امنیت و جایگاه بین‌المللی گرجستان را ترویج و گسترش و همچنین منافع کشور را در دنیای فزاینده جهانی شده^۱ کنونی تشویق و تأمین می‌نماید. در جهان کنونی روابط چندجانبه و همکاری یک عامل مرکزی و عمده در حفظ امنیت ما می‌باشد و امنیت ملی ما نیز با الحاق به ساختارهای یورو-آتلانتیک عجین گشته است. وزیر امور خارجه کنونی گرجستان که تجربه دبیری شورای امنیت ملی را هم در مشاغل و مناصب حرفه‌ای خود دارد و اکنون هم عمده امور امنیت ملی در عمل بعهده وی می‌باشد، در این کنفرانس طی سخنانی تحت عنوان «امنیت ملی و سیاست خارجی» اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی دولتش را چنین برشمرد:^۲

۱. تحکیم بخشیدن به حمایت‌های جامعه بین‌المللی از گرجستان برای حل و مناقشات داخلی؛ ۲. تحکیم و گسترش و اشاعه فرایند دمکراتیک؛ ۳. الحاق به ناتو؛ ۴. همگرایی با اتحادیه اروپائی؛ ۵. تقویت امنیت اقتصادی؛ ۶. برقراری امنیت پایدار از طریق تنوع سازی انرژی.

همانگونه که در خط و مشی‌ها و محورهای فوق مشاهده می‌گردد در سیاست خارجی جدید دولت گرجستان^۳ تغییر آشکار و جدی و عبارتی جدید مشاهده می‌گردد که این سه محور شامل: تحکیم بخشیدن به حمایت‌های جامعه بین‌المللی از گرجستان برای حل و فصل مناقشات داخلی؛ تحکیم و گسترش و اشاعه فرایند دمکراتیک؛ برقراری امنیت پایدار از طریق تنوع سازی انرژی می‌باشد.

بهرحال، دولت جدید که خود را دمکرات مآب و قانونگرا می‌داند در بعد سیاست خارجی

امنیت ملی و دفاعی لتونی، دستیار وزیر دفاع لتوانی در این کنفرانس به ایراد سخن پرداختند. مقامات دفاعی و امنیتی برخی کشورهای عضو ناتو و سفرا و ابستگان نظامی کشورهای غربی و مقامات دفاعی و امنیتی گرجستان هم در این کنفرانس حضور داشتند.

1. The World of Increasing Globalization
2. Gela Bezhuashvili, Minister of Foreign Affairs of Georgia, National Security and Foreign Policy, Georgian Security Forum Conference, February 16-19, 2006

و امنیتی سه گام مهم را طی سال‌های اخیر برداشت که این سه مهم عبارتند از:

۱. اعلام اصول، ارزشها، اهداف و اولویت‌های سیاست خارجی کشور بطور شفاف؛

وزارت امور خارجه ارزش‌های خود را وطن پرستی و وفاداری به ملت و کشور، حرفه‌ای گرائی، حفظ وحدت و تمامیت و هماهنگی و ارجح بودن نفع جمعی بر نفع شخصی، متعهد به وظایف، حسابگر و مسئول و احساس مسولیت نمودن و اصول خود را قابل پیش‌بینی نمودن یعنی اقدامات و ابتکارات سیاست خارجی کشور براساس اولویت‌های تعیین شده به منظور تضمین نقش کشور از یک شریک قابل اطمینان و اعتماد قابل پیش‌بینی خواهد بود، پایداری یعنی سیاست خارجی کشور براساس پایداری بنیادهای اساسی و عمل به وعده‌ها استوار خواهد بود و استمرار یعنی استمرار سیاست خارجی که بر ترویج و توسعه اولویت‌های اجتماعی استوار است، تضمین می‌گردد.

۲. تدوین و تصویب دکترین امنیت ملی؛

۳. تدوین استراتژی سیاست خارجی ۳ ساله گرجستان (۲۰۰۶-۲۰۰۹)^۱

وزارت امور خارجه از زمان انتصاب آقای گلابژواشویلی سندی را با عنوان مزبور تهیه و مسیر و خط و مشی یکساله این وزارت را براساس دکترین امنیت ملی و سند استراتژی سه ساله سیاست خارجی گرجستان که برای سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ تهیه شده است، تعیین و عملیاتی نمود. تعیین و تدوین خط و مشی یک ساله (۲۰۰۶) فراروی این وزارتخانه با هدف ترویج و توسعه و سعادت و ترقی گرجستان و تأمین منافع حیاتی ملی کشور و با تمرکز بر ترویج اهداف سیاست خارجی گرجستان و با افزایش نقش کشور در صحنه بین‌المللی و تضمین امنیتی برای توسعه آینده کشور تنظیم و عملیاتی شده است. در این سند دورنمای سیاست خارجی کشور و داشتن دیپلماسی و سیاست خارجی موثر و سازنده و فعال ذکر و آمده است که سیاست خارجی

۱. این سند تدوین شده است و در آینده نزدیک در سایت اینترنتی وزارت امور خارجه گرجستان قرار داده خواهد شد.

کشور بر ارزش‌های دموکراتیک، حاکمیت قانون، حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های انسانی، برقراری صلح، امنیت و شکوفائی در گرجستان و کشورهای همسایه استوار است. در ذیل به اختصار به این اولویت‌ها و خط و مشی‌ها که براساس سال ۲۰۰۶ ترسیم شده است اشاره می‌گردد:

خط و مشی‌ها و اولویت‌های سازمانی سیاست خارجی کشور در سال ۲۰۰۶

۱. تحکیم و جلب حمایت‌های جامعه بین‌المللی برای حل مناقشات داخلی:

وزارت امور خارجه اولین و اولی‌ترین محور سیاست خارجی و امنیتی کشورش را حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات داخلی و احیای تمامیت ارضی گرجستان با حمایت و پشتیبانی جامعه بین‌المللی ذکر نموده و افزوده است، در این راستا دولت گرجستان تمام هم و غم خود را بر بین‌المللی نمودن این بحران نمود تا جامعه جهانی و بویژه نهادهای بین‌المللی را به سوی خود جلب نماید. هدف عالی گرجستان اعاده تمامیت ارضی کشور است. وظیفه ویژه و خاص سیاست خارجی استفاده از دیپلماسی موثر برای حل مسالمت‌آمیز مناقشات در کشور است. بعبارت دیگر چالش اولیه سیاست خارجی کشور وجود بحران‌ها و مناقشات و جدائی طلبی‌های داخلی و اعاده تمامیت ارضی و حل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌باشد. برای حل این بحران مهمترین وظیفه وزارت امور خارجه کسب حمایت‌های بین‌المللی و تحکیم این موقعیت هم در سطوح دو جانبه و هم چندجانبه است که همه توان دستگاه دیپلماسی در داخل و خارج باید بکار گرفته شود. این تلاش در راستای ابتکار و طرح صلح رئیس‌جمهور که در سال ۲۰۰۵ ارائه گردید استوار است.^۱ گرجستان بدنبال اعاده دو جمهوری جدائی‌طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی که اعلام

۱. در خصوص این خط و مشی نیز جزئیات و راهکارهای مربوط به نحوه و چگونگی حل مناقشات اوستیای جنوبی و آبخازیا مشخص شده است که دستگاه سیاست خارجی با استفاده از آنها و در همان مسیر حرکت و تلاش نماید. بعنوان مثال، تلاش برای اجرائی نمودن طرح صلح دولت در مورد مناقشه اوستیای جنوبی بعنوان یکی از مسیرها مشخص شده است.

استقلال نموده‌اند به خاک خود می‌باشد.

۲. **تحکیم و گسترش روند دمکراتیک:** تقویت و تحکیم فرآیند دمکراتیک بعنوان مهمترین دستاورد انقلاب رز و برقراری ثبات و امنیت و توسعه دمکراتیک در منطقه از دیگر وظایف سیاست خارجی ذکر شده است. جامعه بین‌الملل پروسه دمکراتیک در گرجستان را بعنوان سمبل کشوری دمکراتیک مورد ارزیابی قرار داده است. لذا حفظ و تحکیم این دستاورد، رفع انتظارات جامعه بین‌المللی و توسعه آن بعنوان یک ارزش از وظایف دیگر دستگاه سیاست خارجی ذکر شده است. توسعه و گسترش جامعه انتخاب دمکراتیک^۱ با هدف گسترش و تحکیم فرآیند دمکراتیک، استفاده از گزینه ۳+۳ (کشورهای بالتیک و قفقاز جنوبی) برای تبادل تجربیات در فرآیند دمکراتیک و حضور فعالتر در دیگر نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای ترویج و توسعه فرآیند دمکراتیک از جمله موارد مشخص در این حوزه اشاره شده است. وزیر امور خارجه در تشریح دومین هدف سیاست خارجی دولتش در کنفرانس امنیت می‌گوید که همانگونه دمکراسی واقعی تنها منبع ثبات می‌باشد، تحکیم و نهادینه کردن تغییرات دمکراتیک هم یکی از نگرانی‌های اصلی امنیت ملی ما می‌باشد. پروسه اشاعه دمکراسی و برقراری نهادهای دمکراتیک در کشور بعنوان یک اولویت مهم جهت برقراری ثبات و امنیت در داخل و هم منطقه مورد توجه دولت بوده و هست و این سیاست مورد شناسایی و توجه جامعه بین‌المللی هم قرار گرفت. وی دلیل تشکیل جامعه انتخاب دمکراتیک که به ابتکار گرجستان و اوکراین و سپس با عضویت برخی کشورهای منطقه انجام گرفت را در همین راستا تفسیر نمود. شایان ذکر است که بدنال وقوع و پیروزی انقلاب رز در گرجستان، ساکاشویلی رئیس جمهور خود را دایه‌دار و رهبر انقلاب‌های رنگی در منطقه می‌داند و مدعی است این فرآیند و برقراری دمکراسی در کشورهای منطقه باید دنبال گردد.

۳. الحاق به ناتو؛ اولویت و وظیفه مهم دیگر دستگاه سیاست خارجی فراهم نمودن زمینه

1. Community of Democratic Choice (CDC)

برای الحاق گرجستان به ناتو ذکر شده است. گرجستان مرحله «طرح اقدام مشارکت انفرادی»^۱ را به اتمام رسانده و در تلاش است تا گام بعدی یعنی دستیابی به وضعیت کاندیداتوری رسمی در «طرح اقدام عضویت»^۲ را کسب نماید و برای رسیدن به این هدف مهم راهکارهای جزئی‌تری نیز مشخص شده است تا دستگاه سیاست خارجی بطور مشخص به این سمت حرکت نماید که بعنوان مثال کار مشترک با هر یک از اعضای ناتو، تمرکز اصلی نمایندگی این کشور در سازمان ناتو از جمله این راهکارها ذکر شده است.

۴. امنیت اقتصادی؛ به منظور ورود به بازارهای جهانی و تقویت نقش گرجستان در سیستم بین‌المللی تجارت جهانی ایجاد شرایطی در کشور با هدف توسعه اقتصادی و برقراری امنیت اقتصادی می‌باشد. ایجاد زمینه‌های لازم برای صادرات محصولات گرجستان، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تقویت کارکرد کریدورهای حمل و نقلی و توسعه آنها، تعمیق همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین منطقه‌ای و تعقیب سیاست حمایت و مدیریت مرزی موثر از جمله وظایف اصلی دستگاه دیپلماسی برای رسیدن به این هدف مهم ذکر شده است.

۵. امنیت انرژی؛ با توجه به موقعیت ویژه جغرافیایی کشور و اینکه گرجستان بخشی از یک کریدور انتقال انرژی محسوب می‌گردد، به زعم زمامداران گرجستان این یک اهمیت فوق‌العاده و ویژگی برجسته برای امنیت سیاسی و اقتصادی کشور است. لذا استفاده صحیح از این فرصت و کریدور موجب شکوفایی اقتصادی کشور خواهد شد. فائق آمدن بروابستگی گرجستان بر نحوه تأمین انرژی که همواره بعنوان اهرم فشار از سوی برخی کشورها علیه گرجستان استفاده می‌گردد و تهدید بالقوه می‌باشد اولویت اصلی کشور است. لذا وظایف اصلی دستگاه سیاست خارجی کشور متنوع سازی منابع انرژی و توسعه منابع جانشینی برای تأمین انرژی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش انرژی، جلب حمایت‌های بین‌المللی، ایجاد کریدورهای

1. The Individual Partnership Action Plan (IPAP)

2. Membership Action Plan (MAP)

جدید، مشارکت در توسعه استراتژی امنیت انرژی یورو-آتلانتیک می‌باشد. وزیر امور خارجه در این خصوص هم در کنفرانس امنیت گفت طی سال‌های اخیر امنیت انرژی به یک موضوع بسیار مهم و استراتژیک هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی تبدیل شده است. تأمین انرژی با ثبات بخش اجتناب ناپذیری از استقلال اقتصادی و سیاسی یک کشور را نمایندگی می‌نماید. به همین دلیل است که دولت گرجستان سیاست تنوع‌سازی منابع تأمین انرژی همگام با بازسازی و ارتقا فنی زیرساخت‌ها و ساختارهای انرژی داخلی را بعنوان یک اولویت مهم در سیاست خارجی و امنیتی خود اتخاذ نموده است. وی می‌افزاید اولویت فوری ما اجرای پروژه‌های کنونی یکی پروژه خط لوله باکو-تفلیس-جیحان و خط لوله باکو-سوپسا و سپس خط لوله شاه‌دنیز است. کشف مسیرهای دیگر برای تأمین انرژی کشور در اولویت بعدی ما قرار دارد. وی همچنین افزود تأمین انرژی از یک منبع مهمترین مشکل کشور است. برای حل این مشکل ما به همراه اوکراین پیشنهاد تنظیم یک استراتژی امنیت انرژی یورو-آتلانتیک را ارائه نمودیم. این پیشنهاد بر برقراری تعادل میان نیازها و منافع در بین کشورهای مصرف‌کننده، تأمین‌کننده و کشورهای ترانزیتی است.

۶. بهبود سیستم مدیریتی؛ بهبود سیستم مدیریتی خدمات خارجی با هدف موثر و سازنده ساختن دستگاه سیاست خارجی از اولویت‌های دیگر وزارت امور خارجه ذکر شده است. برای رسیدن به این هدف هم اهداف و وظایف جزئی‌تری نظیر توسعه برنامه‌ریزی سیاسی به منظور تجزیه و تحلیل تحولات بین‌المللی و مخاطرات، چالش‌های موجود و بالقوه، بهبود شیوه‌های اجرائی، مدیریت موثر سیستم منابع انسانی، توسعه سیستم اطلاعاتی امن و مدرن، قانونمند نمودن امور و کارا نمودن هیأت‌های نمایندگی گرجستان در خارج از کشور نیز ذکر شده است.

سیاست‌های امنیتی دولت گرجستان

با روی کار آمدن دولت جدید گرجستان کمیسیون ویژه‌ای در شورای امنیت ملی به فرمان رئیس جمهور و به ریاست وی مأمور تهیه و تنظیم دکترین امنیت ملی کشور گردید و این کمیسیون در ۱۳ ماه می ۲۰۰۵ پیش نویس طرح را آماده و برای تصویب نهائی تقدیم مجلس نمود. این سند در مهرماه ۱۳۸۴ نیز از مصوب پارلمان گذشت و اولین سند ملی در این زمینه می‌باشد. این سند شامل:

۱. ارزش‌های ملی کشور: حاکمیت، امنیت، صلح، دموکراسی، برتری قانون، حقوق بشر و رفاه بعنوان ارزش‌های ملی،

۲. منافع ملی: تمامیت ارضی، وحدت ملی، امنیت منطقه‌ای، تقویت آزادی و دموکراسی در کشورهای همسایه و در منطقه، تقویت نقش ترانزیتی کشور و کشف راه‌های آلترناتیو برای تأمین انرژی، امنیت زیست محیطی و حفظ هویت ملی و فرهنگی،

۳. چالش‌ها: قاچاق کالا، سیستم غیر مؤثر مدیریت دولتی، چالش‌های اقتصادی و اجتماعی، وابستگی به یک منبع تأمین انرژی، سیاست اطلاع رسانی و چالش‌های اکولوژیکی، ۴. مخاطرات: نقض تمامیت ارضی، گسترش دامنه مناقشات از کشورهای همسایه، تجاوز نظامی، قاچاق کالا و جنایات سازمان یافته فرامرزی، وجود مناقشات داخلی و جدائی طلبی‌های آبخازیا و اوستیای جنوبی تروریسم بین‌المللی،

۵. محورهای اصلی سیاست امنیت ملی گرجستان: تقویت مدیریت کشور و تحکیم ساختارهای دموکراتیک، تقویت توان دفاع کشور، احیای تمامیت ارضی، همگرایی در ساختارهای یورو-آتلانتیک، تحکیم روابط سیاست خارجی، سیاست امنیت اقتصادی، سیاست امنیت اجتماعی، سیاست امنیت اطلاع رسانی، سیاست امنیت انرژی، امنیت اکولوژیک و حفظ میراث فرهنگی می‌باشد. این سند بعنوان یک سند حیاتی و بنیادی نه تنها بخاطر امنیت ملی بلکه بخاطر برنامه الحاق گرجستان به اتحادیه اروپائی و ناتو تنظیم شده است. بیش از یک دهه

می باشد که زمامداران وقت گرجستان سخن از تهیه دکترین امنیت ملی می کنند ولی این اولین بار می باشد که این طرح تدوین و از تصویب نهائی مجلس هم گذشت و اکنون مراحل اجرایی خود را می گذراند. مهمترین نکته در این دکترین این می باشد که فقط سه کشور ایالات متحده آمریکا، اوکراین و ترکیه را شریک استراتژیک و کشورهای آذربایجان و روسیه و ارمنستان در درجه دوم بعنوان کشورهای شریک گرجستان (غیر استراتژیک) و براساس منافع متقابل برای تنظیم روابط معرفی شده اند.

یادداشت ها

1. www.mfa.gov.ge
2. Vision and Directives of Ministry of foreign Affaris of Georgia for 2006 in: www.mfa.gov.ge
3. Georgias National Security Concept, National Security Council of Georgia, Tbilisi.
4. Foreign Policy Strategy for 2006 _ 2009 in: www.mfa.gov.ge
5. Georgian Newspapers & Magazines and Other Websites

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی